



Das Gesundheitsprojekt
Mit Migranten
für Migranten

حفاظت در مقابل خشونت بر علیه زنان در آلمان



دفترچه راهنما برای فراریان زن، مهاجرین زن و نوجوانان

ترویج توسط



Die Beauftragte der Bundesregierung
für Migration, Flüchtlinge und
Integration

Wir sind's! 
Die Einwanderungsgesellschaft gestalten

**Ethno-
Medizinisches
Zentrum e.V.**



Impressum

Gewaltschutz für Frauen in Deutschland –
Ratgeber für geflüchtete Frauen, Migrantinnen und Jugendliche

Herausgeber:

Ethno-Medizinisches Zentrum e.V.
Königstraße 6, 30175 Hannover

Konzeption, Inhalt, Erstellung:

Duale Hochschule Baden-Württemberg Villingen-Schwenningen (DHBW)
Leitung Studiengang Soziale Arbeit mit psychisch Kranken und Suchtkranken
Schrambergerstraße 26, 78054 Villingen-Schwenningen
Ethno-Medizinisches Zentrum e.V. (EMZ e.V.)

Förderung:

Aydan Özoguz, Staatsministerin bei der Bundeskanzlerin und Beauftragte
der Bundesregierung für Migration, Flüchtlinge und Integration

Projektleitung: Ramazan Salman, Prof. Dr. Dr. Jan Ilhan Kizilhan

Redaktion: Jasmin Bergmann, Dagmar Freudenberg, Ahmet Kimil, Prof. Dr. Dr. Jan Ilhan Kizilhan,
Claudia Klett, Gabriele Martens, Ass. iur. Isabell Plich, Andreas Sauter, Ramazan Salman,
Prof. Dr. Karin E. Sauer, Prof. Dr. Anja Teubert, Susanne Winkelmann, Lutz Winkelmann RA

Lektorat: Bernd Neubauer, Gunnar Kutsche

Layout und Satz: Eindruck

Übersetzung: Dolmetscherdienst – Ethno-Medizinisches Zentrum e.V.

Bildquellen: Umschlagbild und Bild auf Seite 16 © Tom Platzer „Styling time4africa“
Ministerin Özoguz: © Bundesregierung/Denzel · Seite 2: © iStock, imagesbybarbara
Seite 5, 22, 25, 29: © Fotolia · Seite 11: © iStock, m-imagephotography

Wenn in diesem Ratgeber Personengruppen benannt sind, wird im Folgenden die weibliche Schreibweise verwendet. Es sind aber weibliche und männliche Personen gleichermaßen gemeint. Dies dient dem besseren Lesefluss und ist nicht als diskriminierend zu verstehen.

Alle Rechte vorbehalten. Das Werk ist urheberrechtlich geschützt. Jede Verwendung in anderen als den gesetzlich zugelassenen Fällen bedarf deshalb der vorherigen schriftlichen Genehmigung durch den Herausgeber.

Diese Publikation können Sie jederzeit über die Webseiten „mimi-gegen-gewalt.de“ oder „ethnomed.com“ in folgenden Sprachen anfordern: Deutsch, Arabisch, Albanisch, Kurdisch, Paschtu, Englisch, Französisch, Farsi, Dari, Türkisch, Russisch und Serbisch/Kroatisch/Bosnisch

1. Auflage · Stand: November 2016

خوانندگان عزیز، خانمها و آقایان،



از سال ۲۰۱۵ بیش از یک میلیون پناهجو پیش ما آمده اند - ۸۹۰۰۰۰ در سال ۲۰۱۵ و ۲۱۳۰۰۰ در بین ژانویه و پایان سپتامبر ۲۰۱۶. حدود ۳۰ درصد از فراریان در آلمان زنان هستند. بسیاری از آنان به تنهایی یا با فرزندانانشان در راه اند. اینان بارها در کشور خود یا در راه فرار، خشونت به اشکال مختلف را بر دیگر زنان دیده و یا خود شخصاً تجربه کرده اند. عواقب آن میتواند خدشه جسمانی و روانی تا ضربات روحی شدید باشند.

بسیاری از این زنان هیچگونه اطلاعاتی در مورد حق و حقوق خود ندارند و نمیدانند که در آلمان از امکانات گوناگونی جهت حفاظت و حمایت خود برخوردار هستند.

از این بابت من از پروژه "می می - پیشگیری از خشونت همراه با مهاجرین زن برای مهاجرین زن" حمایت میکنم. ما علاقمندیم زنان را از هر شکل خشونت حفظ کرده و در مورد خشونت علیه زنان مطلع نمائیم.

در چارچوب این پروژه، این دفترچه راهنما تدوین شده است. در این بروشور آگاهی های لازم در باره اقسام خشونت، دانستنی های کلی در باره مقررات حقوقی در آلمان شرح داده شده است و راهکارهایی را نشان میدهد تا بتوان از خشونت علیه زنان و کودکان جلوگیری نمود.

همیشه نمیتوان از ایجاد خشونت جلوگیری نمود، ولی زنان فراری و مهاجرین زن را میتوان با آگاه نمودن قوی کرد تا به حد و مرز نشان داده که خواسته آنان است احترام گذارده شود. احترام متقابل، و رفتار عادلانه برابانه در زندگی مشترک میتواند راهی برای دوری جستن از خشونت باشد. ما تمام همت خود را بکار میبندیم تا یک همزیستی شرافتمندانه و بدون خشونت برای همه مردم در آلمان امکان پذیر گردد. ما میخواهیم با کمک این راهنما گامی در این راه برداریم.

Aydan Özgöz, Staatsministerin bei der Bundeskanzlerin und Beauftragte der Bundesregierung
für Migration, Flüchtlinge und Integration

خانم وزیر حکومت و مأمور دولت آلمان برای مهاجرین، فراریان و یکپارچگی (اینترگاسیون)



1. مهاجرت، فرار و خشونت 4

فرار بدلیل خشونت | خشونت در هنگام فرار
خشونت در محل سکونت فراریان | خشونت پس از فرار

2. انواع خشونت 8

خشونت مستقیم | خشونت ساختاری | خشونت نهادینه

3. خشونت بر علیه زنان و کودکان 12

عاملان چه کسانی هستند؟ | دلایل خشونت علیه زنان و کودکان
نمونه هایی از خشونت علیه زنان و کودکان | عواقب خشونت علیه زنان و کودکان

4. راههای خروج از خشونت 26

حقوق حفاظتی برای قربانی خشونت | با هم بدون خشونت

واژه نامه 32

آدرس های تماس نهادهای کمک رسانی 37

1. مهاجرت، فرار و خشونت

فرار بدلیل خشونت

یکی از دلایل فرار زنان خشونت است زیرا هنوز هم زنان در سراسر جهان حقوقی برابر با مردان ندارند. هرچند تا سال ۲۰۱۴ تعداد ۱۴۳ کشور برابری جنسیتی را در قانون اساسی خود تصویب نموده اند، با این حال، نگرش های فرهنگی و مذهبی در سراسر جهان سبب شده است که برای زنان ارزشی کمتر از مردان قائل شوند.

وضعیت حقوقی:

وضعیت حقوقی: در سال ۱۹۴۹ کمیسیون حقوق زنان (CSW) ایجاد شد تا وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زنان را از نظر موقعیت حقوقی بهبود بخشد. در سال ۱۹۷۹ توافقنامه ای برای جلوگیری از هر گونه شکلی از تبعیض بر علیه زنان (کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان - CEDAW) تصویب شده است و در سال ۲۰۱۵ اصلاحیه آن توسط ۱۸۹ کشور به تصویب رسید. آلمان نیز امضا و تصویب نمود. خشونت مبتنی بر جنسیت (مانند خشونت خانگی و جنسی) پیگرد قانونی دارد. میتوان در دادگاه با آن مقابله کرد.

- برای برپا نگهداشتن سلطه مردان بر زنان، همچنان خشونت خانگی و جنسی اعمال میشود. برای نمونه:
- قطع عضو اندام تناسلی زن (ختنه) که هنوز هم با وجود ممنوعیت رسمی، انجام میشود.
- روابط نابرابر قدرت بین زنان و مردان، مانند روابط وابستگی^۱، زنان به عنوان "کالا" محسوب میشوند و اعمال جنسی به عنوان "وجه پرداختی". که در نتیجه اغلب به ازدواج اجباری، و همچنین به روسپیگری اجباری و تن فروشی بعلت فقر و قاچاق انسان منجر میشود.
- سوء استفاده از زنان و کودکان توسط مأمورین دولتی (پلیس، ارتش و یا سایر کارکنان دولت) در کشور مبدأ، برای نمونه در بازداشت یا بازجویی؛
- خشونت جنسی به دلایل سیاسی، تجاوز دسته جمعی به گروه های مردمی خاص برای ریشه کن کردن و به استیلا کشیدن آنان که این را "پاکسازی قومی" نامیده اند؛ خشونت جنسی در اینجا به عنوان یک سلاح جنگی به منظور درهم شکستن روحیه و شخصیت و یا برای از بین بردن جوامع استفاده میشود. زنان در اردوگاه های تجاوز (اردوگاه تجاوز به عنف rape camps) بعنوان اسیر نگهداری میشوند.
- غافل شدن از کودکان و یا در موارد بسیار شدید، کشتار کودکانی که پس از تجاوز جنسی در حین جنگ بدنیا آمده اند. کودکانی که زنده مانده اند، در جوامع مادریشان تقریباً هیچگونه

* واژه های موجود در واژه نامه، در متن بصورت کج نگاهشته شده اند.

خشونت در حین فرار

در طول فرار، زنان به ویژه در معرض خطر هستند تا مورد خشونت قرار بگیرند. دزدان دریایی، راهزنان، نیروهای امنیتی، قاچاقچیان و یا حتی دیگر فراریان، ممکن است آنان را از نظر جنسی مورد آزار و اذیت قرار دهند و یا بزور به آنان تجاوز کنند. مأمورین گارد مرزی، زنان و کودکان را نگاه میدارند و برای مدت طولانی به آنها تجاوز میکنند. دزدان دریایی زنان را زندانی میکنند و مجبور به رابطه جنسی کرده و تنها پس از آن به آنها اجازه ادامه سفر میدهند. قاچاقچیان برای عبور دادن زنان و کودکان از مرزها از آنان طلب رابطه جنسی و یا پول/ اشیاء با ارزش میکنند.

امنیتی ندارند و قانون آز آنان حفاظت نمیکند. مانند کودکانی که پدر و مادر خود را در جنگ از دست داده اند (یتیم جنگی)، گاهی اوقات باید برای ارتش کار کنند و یا به اصطلاح بعنوان کودکان سرباز بچنگند.

علاوه بر دلایلی مانند خشونت علیه زنان و کودکان، دلایل دیگری هم مانند، جنگ و بیرون راندن برای فرار وجود دارند. با این وجود، حتی خود فرار هم میتواند برای زنان و کودکان خطرناک باشد چون اغلب در هنگام فرار هم مورد خشونت قرار میگیرند.



خشونت در اماکن سکونت پناهندگان

در اردوگاه های پناهندگان در آلمان از تعداد فزاینده رفتارهای خشونت آمیز علیه زنان گزارش شده است. بیش از دو سوم فراریان مرد هستند که سن اکثر آنها کمتر از ۳۰ سال است. فضاهای حفاظت زنان یا اختصاصاً تجهیزات زنان وجود ندارد.

قانون اقامت و پناهندگی مقابله با خشونت علیه زنان فراری را دشوار میسازد. مقامات اداره امور خارجیان اما میتوانند از زنان محافظت کنند. مثلاً میتوانند در صورت بروز خشونت از الزام محل اقامت استثناء قائل شوند و آپارتمان ها و یا خانه هایی در شهرستان ها و مناطق دیگر در اختیارشان قرار دهند.

برای نمونه امکانات زیر، برای حفاظت حقوقی در محل سکونت وجود دارد:

– اخراج مجرمان در کوتاه مدت از محل سکونت توسط پلیس

– اقدامات درازمدت براساس قانون حفاظت در برابر خشونت

– ممنوعیت ورود به محل

کسانی که بیش از همه در راه فرار در معرض ریسک خشونت جنسی و سایر خشونت ها هستند عبارت اند از:

– زنان تنهائی که با و یا بدون کودکان سفر میکنند

– زنان باردار و شیرده

– دختران جوان و کودکانی که بدون سرپرست سفر میکنند

– کودکانی که زود ازدواج کرده اند - بعضاً با نوزادهایشان

– معلولین و سالمندان

– اشخاصی، که قادر به برقراری ارتباط نیستند

افرادی که در حال فرار هستند اغلب برای یک دوره طولانی در اردوگاه ها بسر میبرند. اکثر این اماکن برای آنها تنها پناهگاه های امنی هستند که در طول سفر وجود دارند. در حالی که آنجا هم خطر بزرگ خشونت برایشان وجود دارد. فراریان در چنین اردوگاه هایی به سازمان هائی وابسته اند. این سازمان ها میبایست ساکنین را مراقبت کرده و آسایش آنان را تامین کنند. از اینرو آنها اختیار زندگی خود را از دست میدهند. این موضوع میتواند، برای مثال، در مردان پناهنده یک بحران بوجود بیاورد که در آن تصویر و موقعیت خود را در جامعه در معرض خطر ببینند. تحت این شرایط این پناهندگان با خشونت واکنش نشان میدهند.

ممکن است دلایلی برای رفتار خشونت آمیز وجود داشته باشد. ولی بهیچوجه عذر موجهی برای اعمال خشونت نسبت به زنان و کودکان نمیشود.

با این حال، اکثر این اقدامات، بمدت کوتاهی کمک میکنند. خشونت علیه زنان و کودکان در محل سکونت توسط همخانه ها یا همسفر اعمال میشود. بین همسفران اغلب روابط وابستگی تنگاتنگی وجود دارد. پناهجویان و کسانی که اقامتشان مشمول قانون تحمل میشود در اینگونه مسکن نسبتاً منزوی زندگی می کنند. آنها بسختی از حمایت و یا کمک های حقوقی در محدوده محل اقامت خود برخوردارند. خیلی ها هم جرأت نمی کنند کمک های قانونی درخواست کنند و حتی برخی ترس دارند که اجازه اقامت در آلمان را از دست بدهند. هنگامی که زنان درخواست پناهندگی می کنند، باید دلایل فرار خود را توجیه نمایند. بسیاری شرم دارند از خشونت جنسی نام ببرند. از اینرو درخواست پناهندگی آنها به دوام زندگی زناشوییشان مربوط میشود.

استفاده از گزینه های قانونی در روند پناهندگی تاثیر نمیکارند.

خشونت پس از فرار

خشونت برای زنان و کودکان پناهنده نه تنها میتواند در اماکن سکونتشان اتفاق بیافتد بلکه در جامعه کشور میزبان نیز پیش میآید.

بیش از سه چهارم از زنان فراری در آلمان برحسب بررسی سوزانه یوهانسون از تجربه خشونت روانی گزارش میدهند، بیش از نیمی از آنها خشونت فیزیکی و یک چهارم خشونت

جنسی را تجربه کرده اند. سازمان عفو بین الملل با زنان پناهنده مصاحبه کرده است. آنها در کنار خشونت در حین فرار از ترس مدارم خشونت در آلمان نیز گزارش داده اند. عاملان خشونت عبارت بودند از شرکای زندگی، افراد غریبه، هم اتاقی ها و یا حتی کارکنان محل سکونت. اشکال مختلف خشونت در فضای عمومی و همچنین در خوابگاه یا خانه های خود اعمال شده است.

برخی از انسان ها میترسند بتنهایی از خوابگاه های پناهندگی خارج شوند. که دلایل آن ترس از:

– حملات فیزیکی خشونت آمیز در خیابان

– "ترس از غریبه ها" توسط مردم محلی، فحاشی و مورد توهین قرار گرفتن

– خشونت نژادپرستانه، تبعیض یا رفتار نابرابر (به عنوان مثال در مدرسه توسط بعضی

معلمان)

در آلمان در سال ۲۰۱۵ تا بیش از ۸۰۰ حمله به خانه های فراریان (برای نمونه سوء قصد با آتش زدن) انجام گرفته است.

علاوه بر خشونت مبتنی بر جنسیت همچنین خشونت نژادپرستانه در زندگی فراریان حضور همه جانبه دارد. این امر به ویژه برای جوانان صدق میکند.

2. انواع خشونت

خشونت در موقعیت ها و به اشکال گوناگون بوقوع میپیوندد. اساساً خشونت را به سه نوع تقسیم بندی میکنند:

هر زن و هر کودک همان حق و حقوق
مرد را داراست. گذشته از آن حق کمک
و مصونیت در برابر اختناق و سرکوبی
وجود دارد.

— خشونت مستقیم

— خشونت ساختاری

— خشونت نهادینه

خشونت مستقیم

خشونت مستقیم از طرف یک شخص علیه اشخاص و اشیاء انجام میگیرد

نمونه کودک:

پدری طبق گفته خودش دختر دوازده ساله خود را بیش از هر چیز دوست میدارد. و به او میگوید به این خاطر است که او را لمس و مایج و بوسه میکند. میخواهد به او در همه جای بدنش دست بزند. مادر بزرگ همیشه آخر هفته به دید و بازدید میاید. او از دختر دوازده ساله انتظار بوسه ای دارد. این پدر و هم چنین مادر بزرگ "دلایل مناسب" برای لمس کردن یا بوسیدن دختر بچه دارند. "در فامیل ما رسم بر این است، بنابراین تو باید صدایت در نیاید و در این باره حق نداری حرف بزنی." پدرش به او توضیح میدهد: در سرزمین اصلیش همه پدران با دخترانشان رابطه جنسی دارند و حالا نوبت اوست زیرا مامان پس از چهار زایمان تمایلات جنسی اش دیگر فعال نیست. اما پدر اضافه میکند، دخترش حق ندارد در این مورد حرف بزند وگرنه اگر او به زندان بیافتد مقصر دختر است.

خشونت مستقیم از سوی پدر بر دختر دوازده ساله اعمال میشود. او دخترش را در نقاط جنسی بدنش لمس میکند و با او هم آغوش میشود. مادر بزرگ هم پا را فراتر میگذارد، او دختر را "عادی" میبوسد و متوجه نیست که کودک احياناً دوست ندارد.

چنانچه کودک یاد بگیرد میتواند بهتر در امان بماند:

— "نه" بگوید و

— حد و مرزی برای بستگان خود

(از قبیل بوسه مادر بزرگ) تعیین کند

سوء استفاده جنسی در خانواده، موضوع بسیار بغرنجی است. با آگاهی از آن میبایست فوراً با مراکز تخصصی مشاوره تماس گرفت. مشاورین این مراکز موظف به رازداری هستند، بنابراین حق ندارند هیچ چیز را به دیگری بازگو کنند. آنها میتوانند توصیه هائی بدهند که شخص چه کارهائی میتواند انجام دهد و به چه نحو می تواند شخصاً از خود محافظت کند.

خشونت ساختاری

خشونت ساختاری خود را در قدرت نمایان میکند. قدرت در روابط انسان ها بسیار مهم است. برای مثال در خانواده ها آن کسی دارای "قدرت بیشتر" است که نفوذ و امکانات تصمیم گیری بیشتری از دیگران را داراست. این از یک سو بخاطر سن و تجربه زندگی و از سوی دیگر بخاطر پول، معلومات یا موقعیت اجتماعی و دین که حائز اهمیت می باشند.

خشونت ساختاری بنابراین به جهت عدم توازن

نمونه:

تا هنگامی که مردان برای خانواده پول در میاورند، اغلب آنها هستند که قدرت بر اوضاع مالی خانواده دارند.

اغلب پول داشتن دارای اهمیت زیادی است. چون سرچشمه وابستگی ها است. وقتی انسان پول و چیزهای دیگر را از دست میدهد، خود را نامطمئن و مورد تهدید حس میکند. کسی که دارای قدرت هست، به همین دلیل میتواند به دیگران این اطمینان را بدهد یا دوباره پس بگیرد. به این علت اینها میتوانند اعضای فامیل یا دوستانشان را از دست بدهند. از این رو قدرت (خشونت ساختاری) در اینگونه ساختارهای خشونت آمیز تأثیر زیادی روی زنان و کودکان دارد.

قدرت در جوامع تقویت میشود. سایر اعضای جامعه اغلب هیچگونه حقی ندارند یا نمیتوانند از خود دفاع کنند. آنها اجازه ندارند تصمیم بگیرند چه چیزی برای خودشان خوب و مهم است (برای مثال، کجا میل دارند زندگی کنند).

نمونه زن بزرگسال:

یک مرد سالیان دراز به همسر خود میقبولاند که همیشه وقتی او میخواهد، با او همخواه شود، یعنی او را خلاف خواستش مجبور به همخواهی میکند. زن باید او را از لحاظ جنسی ارضاء کند. در این جا مرد نه تنها به روح و روان بلکه به جسم زن نیز صدمه میزند. اغلب زنان از ترس کتک خوردن، و یا به دلیل اینکه فکر میکنند حق با مرد است تسلیم میشوند. این رفتار بسیاری از شوهران را مضم تر میکند که بگویند، تقصیر خودش است اگر او از خودش دفاع نمیکند و راحت کنار میاید، او که زن را مجبور نکرده است. مرد بر سر زن حقی دارد، بالاخره شوهر اوست.

این گونه شکل خشونت مستقیم به نظر واضح میاید. با این وصف، زن اکثر اوقات تنهاست زیرا خانواده و بستگان

- اغلب باور نمیکنند، که شوهر مرتکب چنین اعمالی نسبت به قربانی خشونت شده باشد؛
- بر این عقیده هستند که این حق مرد است. بدبهی است که زن در آمیزش جنسی با مرد همراهی کند؛
- مصلحت نیست خیلی در مورد آن فکر کنند و در برابرش مقاومت کنند. نهایتاً هیچ امکان دیگری نیست.

قدرت همواره منفی نیست. آن کس، که بر شخص دیگری تسلط دارد، میبایست معنی صحیح آن را برای خود روشن کند و آن را با مسئولیت به کار گیرد. والدین بر کودکان قدرت دارند. کودکان به آنها وابسته هستند. والدین میبایست از این قدرت برای کمک و حمایت کودکانشان استفاده کنند. همچنین خرج کردن پول برای تأمین معاش هم بایستی بدون سوء استفاده از قدرت انجام گیرد.

خشونت نهادینه

خشونت نهادینه یک نوع از خشونت است، که از طریق ساختارهای موجود، مناسبات قدرت را تقویت میکند. یکی از عواملی است که مانع از آن میشود که انسان کاری کند که تنها برای خودش مهم است (برای مثال در محل کار، در مدارس یا اردوگاه ها که وقت غذا برای همه مشخص شده است و یا وابستگی اشخاص به سرپرستان).

عموماً میبایست خشونت نهادینه به نظم کمک کند. مردم یک کشور قوانینی را تجربه میکنند که ضامن رفتار برابر برای همگی هستند. هدف ایجاد یک محیط آرام قابل تفاهم برای زندگی مشترک با یکدیگر است. این موقعیت نباید از طرف هیچکس، برای مثال از طرف پلیس، مددکاران یا حتی در خانواده خود به غلط استفاده شود.

انواع متفاوت خشونت اغلب با یکدیگر در رابطه اند و کنار همدیگر هستند. بیشتر اوقات چندین نوع خشونت همزمان وجود دارند. خشونت در فرهنگ های متفاوت پیش میاید. همچنین میان فرهنگ های متفاوت خشونت موجود است. خشونت برای مثال در ساختار جوامع به اصطلاح پدرسالار حمایت میشود. در این جوامع مردان اکثراً قدرتشان بیشتر و زنان همزمان دارای حق کمتری هستند. آنها میتوانند کمتر در زندگی اجتماعی شرکت کنند (برای مثال تحصیل کنند و تعلیم ببینند، خودشان کار کنند). همچنین نابرابری در جامعه و در سراسر جهان (تقسیم غیر عادلانه رفاه، فقر، روابط میان کشورهای ثروتمند و فقیر) میتواند خشونت را توسعه دهد.



3. خشونت علیه زنان و کودکان

سازمان بهداشت جهانی WHO خشونت علیه زنان را یکی از بزرگترین خطرات برای بهداشت زنان در سراسر دنیا قلمداد میکند. سازمان ملل متحد اعلام میکند، هر عملی، که به زنان از نظر جسمی، جنسی یا روانی صدمه برساند و یا تهدید کند خشونت محسوب میشود. از این جمله هستند ارباب و سلب آزادی در ملأ عام یا در زندگی خصوصی. بنابراین خشونت علیه زنان به انواع زیر بروز میکند:

خشونت جسمانی، جنسی و روانی در خانواده:

– خشونت در درون و بیرون از محیط زناشویی (برای مثال کتک زدن، سوء استفاده جنسی، تجاوز کردن، تحقیر، تهدید)

– سوء استفاده جنسی از کودکان در خانواده

– خشونت، که با جهیزیه در ارتباط هست

– هر گونه عمل سنتی، که برای زن زبان بار است (برای مثال: ناقص کردن عضو تناسلی با ختنه)

– خشونت، به قصد بهره کشی و استثمار

خشونت، جسمانی، جنسی و روانی در جامعه:

– ارباب، مزاحمت جنسی، سوء استفاده جنسی و تجاوز در محل کار، در مؤسسات آموزشی و هر جای دیگر

– تجارت زنان و روسپیگری اجباری

خشونت جسمانی، جنسی و روانی، که از جانب حکومت اعمال میشود و یا همچنین پذیرفته میشود

وضعیت حقوقی:

اعمال خشونت – جسمانی و روانی
("صدمه جسمانی") – در کشور آلمان پیگرد حقوقی دارد!

مجرمین یا خلافکاران چه کسانی هستند؟

در نود درصد حالات مجرمین مردان هستند و از نزدیکان و اطرافیان قربانیان هستند. و از همه ائشار اجتماع می باشند. آنها میتوانند شوهر، پدر، پدربزرگ، معلم، دوست خانواده، مربی، عمو، برادر، کشیش، روانکاو، و خیلی کسان دیگر باشند. در سوء استفاده از قدرت و یا در سوء استفاده جنسی، از شرایط شخص قربانی، که اغلب زن یا کودک است به نحو خاصی استفاده می شود.

طبق اعلام WHO (سازمان بهداشت جهانی) زنان در جوامع مشخصی، اغلب از جانب شریک زندگی مورد آزار قرار میگیرند. در این جوامع در مواردی هیچ برابری میان مرد و زن وجود ندارد. نقش ها برای مرد و زن نگاه سختگیرانه تعیین شده اند و ضوابط فرهنگی حق مرد را در آمیزش جنسی تعیین میکنند. احساسات زن مورد توجه قرار نمیگیرند. این جرایم متداول اند و تنها

بندرت به مجازات میانجامد و یا حتی مثبت ارزیابی میشوند.

قربانیان به دفعات به دنبال توضیح و توجیه میگردند. این توجیهاست میتوانند مجرم را آسوده و تبرئه کنند و منجر به بخشودگی رفتار خشونت آمیز میشوند و بدین ترتیب مجرم را به تکرار عمل ترغیب میکند. او در نظر خودش، خود را تائید شده میبیند که بدین معناست: "اعمال من هیچ پیامدی ندارد" - "اتفاقی برای من نمیافتد!" - "همه از من میترسند و به من احترام میگذارند!"

دلایل خشونت علیه زنان و کودکان

ساختارهای نابرابر میان مرد و زن به تشویق خشونت علیه زنان میانجامد. عوامل تقویت این خشونت ها:

- ساختارهای پدرسالارانه

این ساختارها تصویر مشخصی از مردان - و زنان ارائه میدهند. مردانگی اغلب به معنای قدرت، نیرومندی و برتری و در مقابل زنانگی به معنای شکنجایی، انفعال و مغلوبیت است؛

- مواضع قدرتمندانه و پر توقع مردانه

و هم زمان تصور برتری. به این خاطر اغلب آزار و اذیت اتفاق میافتد زیرا مرد باور دارد که حق دارد. او اجازه دارد بر زنش حکم براند، حتی بر بدن او و بر همه چیز. آنچه زنش انجام میدهد، با چه کس حرف میزند، اینکه چگونه لباس میپوشد و کجا وقت خود را میگذراند.

- افزایش خود کفائی زن

(در زندگی روزمره و حرفه):

را بعضی از مردان به عنوان تهدید می بینند. آنها میخواهند قدرت خود را حفظ کنند و خشونت به کار می بندند.

- درماندگی مرد

(برای نمونه سردرگمی در پناهندگی، کمبود معلومات در زبان، بیکاری)

بعضی از آقایان بر این باورند که به کارگرفتن قدرت و تسلط، زور، نیروی بدنی، رهبری، موفقیت، پشتکار و رقابت برای "مرد بودن" مهم هستند. اغلب اوقات در جامعه با خواست زنان برای حقوق مساوی درگیری وجود دارد.

تساوی حقوق در کشور آلمان یک قانون است.

اغلب زنان و مردان مدت زمان مدیدی به نقش خود خو گرفته اند. بعضی از این بابت حتی خشونت را هم عادی میدانند. این نقش های تمرین و کسب شده میبایست در درازمدت تغییر یابند. این امر میتواند گاهی اوقات بسیار طول بکشد ولی بسیار مهم است تا بتوان خشونت را برای همیشه به پایان رسانید.

نمونه هائی از خشونت بر علیه زنان و کودکان

خشونت مبتنی برجنسیت، بیشتر اوقات در محدوده خصوصی بین شرکای زندگی (خشونت خانگی) و به شکل خشونت جنسی است.

خشونت خانگی

تعریف دقیقی از خشونت خانگی وجود ندارد. غالباً منظور از آن خشونتی است که یک طرف رابطه علیه زن یا شوهر خود و یا زن و یا شوهر پیشین خود انجام می یابد. بنابراین خشونت میان بزرگسالان در خانواده یا بین یک زوج است. نود در صد مجرمان مردان هستند و زنان قربانیان ماجرا هستند. کودکان هم اغلب همزمان قربانی میشوند.

قصد خشونت خانگی، تسلط و اعمال قدرت است. یک نشانه آن این است: پیش از هر چیز در حریم خصوصی اعمال میشود. حریم خصوصی، حوزه خصوصی در اینجا هم اغلب حافظ جرم و مجرم است. زنان و کودکان نمیخواهند یا نمیتوانند غالباً راجع به جرایم حرف بزنند. آنها از مجرم وحشت دارند. همسایه ها هم اغلب تحت فشار هستند، هنگامی که آنان فریادها و ضربات را میشوند و بدین گونه شاهد خشونت میگرددند.

خشونت خانگی خود به اشکال زیر است:

– خشونت جسمانی،

همچون کشیدن موها، سیلی زدن، نیشگون گرفتن، ضربه زدن، خفه کردن، بستن دست و پا و حمله با اشیاء جورواجور (حتی اسلحه).

– خشونت روانی

مانند کوچک کردن و مسخره نمودن زن (حتی در ملأ عام)، دائم اصلاح کردن، تصحیح کردن، انتقاد کردن سر جزئیات، تحقیر کردن، تهدید علیه کودکان و یا با کودکان از خانه رفتن تا مرحله تهدید نمودن به مرگ.

– خشونت جنسی،

مانند ناگزیر کردن به کار جنسی، تجاوز یا همینطور روسپیگری اجباری؛

– خشونت اجتماعی:

این مورد به شکل کنترل تماس ها با سایر افراد و منع تماس، و همچنین در محبوس کردن خود را نمایان میکند. گاهی مجرم قربانیان را کاملاً از خانواده مجزا میکند؛

– خشونت مالی:

هدف این خشونت ایجاد وابستگی مالی است. مجرم قربانیان را از کار کردن منع کرده و یا مجبور میکند برای او کار کنند. به این ترتیب تنها او بر امور مالی تسلط دارد.

خشونت جنسی

خشونت جنسی می‌تواند بخشی از خشونت خانگی باشد، ولی در نهایت دامنه وسیع‌تری دارد. با یک حرف تحقیرآمیز علیه زنان شروع می‌شود. اغلب نگاه‌های زننده یا مزاحمت لغوی هستند. اشکال آن از مرزشکنی‌ها از راه مزاحمت جنسی تا تجاوز و سوء استفاده جنسی ادامه دارد. حد و مرز بین تک تک انواع خشونت‌ها اغلب ناواضح‌اند و در همدیگر جاری می‌شوند.

در این نوع خشونت از جنسیت به عنوان سلاح استفاده می‌شود. خشونت جنسی قدرت خود را به نمایش می‌گذارد و همزمان قربانی را بزیر سلطه خود در می‌آورد. انواع خشونت جنسی را می‌توان مشاهده کرد. خشونت‌ها می‌توانند میان بزرگسالان اتفاق بیافتند. گاهی بزرگسالان و نوجوانان خشونت جنسی علیه کودکان مرتکب می‌شوند یا خود کودکان به کودکان دیگر خشونت وارد می‌کنند. به قربانیان

– تجاوز می‌شود:

مجرم به اشکال مختلف با آلت تناسلی به قربانی فرو می‌کند و یا با اشیاء، گاهی این کار را اشخاص دیگر یا حیوانات انجام می‌دهند؛

– کارهای جنسی مجبور می‌شوند:

مجرم قربانی را مجبور می‌کند، خود را، ویرا و دیگری را به انواع مختلف ارضاء جنسی کند؛

– تهیه فیلم - یا عکس با کارهای جنسی اجبار و تحمیل می‌شود:

قربانیان می‌باید کارهای ذکر شده را انجام دهند یا تحمل کنند و در جا از آنان عکس و فیلم تهیه می‌شود و این را هم باید بپذیرند.

این کارهای توضیح داده شده یک سوء استفاده آشکار هستند، مجرم با وقوف به آن و نه بر حسب تصادف این کار را انجام می‌دهد. او می‌خواهد خود را ارضاء کرده یا قربانی خود را تحقیر کند. این اعمال شامل پیگرد قانونی هستند(قانون کیفری مهم).

مرزشکنی‌های جنسی و مزاحمت جنسی برعکس مجازات‌پذیر نیستند (از نظر قانون کیفری اعمال کیفری مهم نیستند)، معهذاً می‌توان اعلام جرم و شکایت کرد.

مرزشکنی‌های جنسی بعضی وقت‌ها تعمدی نیستند، اغلب به علت عدم آگاهی و کمبود یا حساس نبودن کافی پیش می‌آیند. اغلب مرزشکنی‌های جنسی اقدام به اعمال جنسی مجازات‌پذیر می‌باشند. تجربه نشان می‌دهد که قربانیان اغلب نمی‌توانند از خود دفاع بکنند. این اعمال بدون پیامد و نتیجه باقی می‌مانند. مرزها تداخلی‌اند.

به عنوان قربانی یکی از انواع خشونت های فوق الذکر هیچ دلیلی برای احساس گناه کردن و یا اصلاً خود سرزنش کردن وجود ندارد! شما هیچ تقصیری ندارید، حتی بخشی از آن. همینطور هیچ مسئولیتی برای رفتارهای خشونت باری که کسی بر شما روا می‌دارد ندارید. شما نباید رفتار مجرم را بفهمید و اصلاً ببخشید. (مثال: "رفتن به آنجا اشتباه بود. من حرف غلطی زدم. بله شاید دامنه کوتاه بود").

مرزشکنی های جنسی

مرزشکنی های جنسی بعضی وقت ها تعمدی نیستند، اغلب به علت عدم آگاهی و کمبود یا حساس نبودن کافی پیش می آیند. اغلب مرزشکنی های جنسی اقدام به اعمال جنسی مجازات پذیر میباشند. تجربه نشان میدهد که قربانیان اغلب نمیتوانند از خود دفاع بکنند. این اعمال بدون پیامد و نتیجه باقی میمانند. مرزها تداخلی اند. مهم: شما روشن و به وضوح بگوئید یا نشان دهید: "ایست. مرز این جاست از حد خود تجاوز نکن"

قولوا أو أشيروا بوضوح وبشكل لا لبس فيه: "توقف. والزم هذا الحد".

مزاحمت جنسی

در مزاحمت جنسی کسی در نظر دارد، به شخص دیگری (در این عمل جنسیت این شخص برای عمل دارای اهمیت است) اهانت و تحقیر کند. دست زدن به باسن و سینه میتواند برای مثال یک مزاحمت جنسی باشد. این هم مهم است: شما با حرف و علامت به شخص مقابل خود بفهمانید، که او از دست زدن و رفتار تهاجمی خود دست بکشد. این کار میتواند جلوی خشونت را بگیرد. ولی همیشه کارآ نیست. وگرنه میتوان کمک خواست - زیرا: بعضی از مجرمین از حد خود عمداً عبور میکنند!



سوء استفاده جنسی

یک شکل خاص خشونت جنسی همان به اصطلاح سوء استفاده جنسی است. این شامل هر عمل جنسی که بزرگسالان به دختر بچه و پسران زیر چهارده سال روا میدارند میباشد. در این جا فرقی ندارد، که این دختران و پسران آن را ظاهراً داوطلبانه انجام میدهند (موافق هستند) یا این که رضایت نداشته اند. یک خشونت جنسی دیگر هم وجود دارد؛ بعضی کودکان (همین طور بزرگسالان هم) از نظر جسمانی، روحی و روانی و یا به خاطر ناتوانی مهارت های زبانی از خلاقیت ضعیف تر هستند. آنها نمیتوانند آگاهانه موافقت کنند. بنابراین مجرم از جایگاه قدرت خود سوء استفاده میکند.

خلاقیت‌های هستند، که با ترفندهای مختلف (اغلب از طریق اینترنت در چت روم ها) با کودکان و نوجوانان تماس برقرار میکنند، تا اعمال خشونت آمیز جنسی را زمینه چینی کنند. در این جا اول علاقمندی نشان داده میشود، سپس طرح یک چنین رابطه ای ریخته میشود. مجرم از چیزهای گوناگونی از طرف مقابل خود با خبر میشود و میتواند اینها را به عنوان اهرم فشار به کار برد ("من به والدین تو میگویم اگر عکس لختی برایم نفرستی") به این آماده کردن یک عمل خشونت بار جنسی "گروینگ" "Grooming" میگویند.

مجرم با نقشه و ترفند پیش میرود و از ساختارهای اجتماعی استفاده میکند، ضوابط و ارزش های خاص. خود را بروز نمیدهد و مخفیکاری میکند. او قربانی خود را در یک وضعیت وابستگی نگه میدارد و از این راه مقام قدرت خود را حفظ

نمونه:

نمونه: یک دختر بچه چهارساله. در این جا تمام عاملین شریک زندگی و دوستان مادر بوده اند. یکی از آنها مادر را دانسته انتخاب کرده بود. زن در یک آگهی به دنبال شریک زندگی می گشته است. مرد پی میبرد که او دختر کوچکی دارد. شریک زندگی میخواسته است با کودکان رابطه جنسی داشته باشد و خیلی سریع "دست درازی" به دختر بچه کوچک برایش میسر می شود، زیرا همه با هم در یک منزل زندگی میکردند. مادر هیچ کاری علیه عمل خشونت بار نمیکند. این زن ترس دارد که مرد او را رها کند.

میکند. در نهایت میتوان انگاشت، که مجرمین هم میخواهند تقدیر و ستایش شوند و برای خود ذره ای احساس ارزش قائل هستند.

سوء استفاده از کودکان میتواند باعث بروز اشکال فشارهای روانی زیرین گردد:

- شرمساری:

کودکان اغلب فکر میکنند، آنها به عنوان آسیب دیده مقصر درخشونت بوده اند. از آنچه بر آنان گذشته شرمسارند. این احساس اغلب قویتر از خشم علیه مجرم است.

- احساس مسئولیت نادرست:

کودکان فکر میکنند که شاید آنها کار اشتباهی کرده اند یا مقصر در فروپاشی خانواده هستند. این برای بیشتر کودکان آسیب دیده مسئله ای غیر قابل حل است.

- ترس از درد سر:

کودکانی که تجارب خوب میاندوزند، و به احساسات خودشان میتوانند اعتماد بکنند، متوجه میشوند، سایر اطرافیانش آنان را جدی میگیرند و حتی اجازه دارند اشتباهی را مرتکب شوند، اغلب و زودتر کمک میطلبند و حد و مرز تعیین میکنند.

کودکان در مدارس و سایر مؤسسات هم قربانی خشونت جنسی میشوند. اما مایل نیستند در خانواده و یا با معلمین یا دوستان درد سری ایجاد شود.

- محکومیت:

کودکان ترس دارند، که کسان دیگر آنچه بر آنان گذشته را کاملاً به نحو دیگری قضاوت کنند و اینکه احساسات خودشان غلط هستند.

- تعهد به پنهانکاری توسط مجرم:

رازهای "خوب" و "بد" مشکل بزرگی دارند. گاهی دوست دارند رازی را برملا کنند، حتی اگر مجرم به آنها فشار میآورد.

نمونه:

پدری با دختر دوازده ساله خود آمیزش جنسی داشت. درد آور بود. دختر بچه اما همیشه این احساس را دارد که کاری که پدرش میکند درست نیست. پدرش به دختر میگوید، او از مادرش زیباتر است و او به عنوان پدر وظیفه دارد به او رفتار جنسی را بیاموزد. دختر خودش را در برابر مادر گناهکار حس میکند، او متوجه شده که مادرش خود را از او کنار میکشد. حتی باور دارد که مقصراست و پدرش بخاطر زیبائیش هوس او را دارد.

دختر بچه هرگز نمیتوانست در خانواده از حمایت برخوردار شود، ولی مدرسه را دوست داشت و به یک خانم معلم بسیار علاقمند بود. علاوه بر این مادران هر دو دختر همکلاسی اش خیلی خوب میشناخت و یکدیگر را درک میکردند.

وضعیت حقوقی:

اعمال جنسی با کودکان زیر چهارده سال همیشه مجازات و تعقیب قانونی دارد.

بند ۱۷۶ کتاب قانون جزائی آلمان به صراحت میگوید: ای هم سوء استفاده جنسی به حساب میاید، اگر کودکان مجبور به اجرای اعمال جنسی با یک عامل مرد، عامل زن یا با کس دیگری بشوند. یک نوع مهم عمل این است که به کودکان پورنوگرافی (صور قبیحه) نشان داده شود تا از این راه آنان تحت تاثیر بگذارند.

قانون جزائی جوانان تا سن ۱۸ سال را از تعدی جنسی اشخاصی حفظ میکند که با آنان به اصطلاح رابطه مراقبتی دارند. برای مثال والدین (همچنین ناپدری و نامادری)، آموزگاران، مربیان، مددکاران اجتماعی، یا سایر همکاران نهادهای تعلیم تربیتی هستند. در این سنین میزان فشار یا اجبار وارده بر جوانان برای تشخیص میزان وابستگی او به شخص مربوطه سوء استفاده شده است کنترل می شود.

همچنین مجازات برای نوجوانان

(۱۴ تا ۱۸ ساله) و جوانان (۱۸ تا ۲۱ ساله) نیز وجود دارد، در صورتیکه آنان از موقعیت اجباری یک دختر یا پسر سوء استفاده کنند یا برای کارهای جنسی پول بپردازند.

عواقب خشونت بر علیه زنان و کودکان

عواقب شخصی

هر کسی به خشونت واکنش متفاوتی نشان میدهد. تجربه خشونت برای جنسیت خاص اما همیشه و برای تمام قربانیان به معنی جریحه دار شدن شدید تمامیت آنان است و میتواند به یک ضربه روانی مستمر بیانجامد. بسیاری از زنان و کودکان قربانی خشونت جنسی در تمام زندگی احساس گناه می کنند و شدیداً رنج میبرند. آنان مایل هستند که آنچه اتفاق افتاده است را ساماندهی کنند، بفهمند و دوباره بر خود و زندگی خود مسلط گردند. این کوشش، در درک پیشامد، قاعدتاً به ایجاد احساسات گناه میانجامد. شخص رفتار و برخورد خود را مرتبط با عمل خشونت آمیز میداند:

نمونه:

"اگر من آنجا نبودم یا اگر من به دلخواه با او همبستر شده بودم. من میبایست آخر سر قبول میکردم که او شوهر من است و به این دلیل حق دارد با من بخوابد."

خشونت جنسی از طریق محبت یا ناز و نوازش خشونت جنسی نه همیشه "خشونت آمیز" است با درد آوردن (برای نمونه کتک زدن). در بسیاری از حالات خشونت جنسی خود را با ملاحظت و نوازشات دلسوزانه نشان میدهد. این خشونت با تسلط و اجبار همراه است. این شکل خشونت برای قربانیان به معنی یک شرایط سخت و متعارض (دوگانه) است: شوهر یا پدر، پدر بزرگ یا دوست خانواده پیشنهاد میکند، او مایل است کار محبت آمیزی بکند، اما با این کار از حد و مرز جسمانی و روانی را تجاوز میکند و قدرت خود را نمایش میدهد. برای قربانیان درد آور و نفرت انگیز است. با توضیحاتی مثل "تو چقدر سکسی هستی یا اگر تو اینطوری وسوسه انگیز لباس تن نکرده بودی... مامانت اصلاً مثل تو اینقدر معرکه نیست..." یا "من آره میبینم، بدنت چطوری داره میلرزه، تو هم معلومه دلت میخواد..."، عامل میخواهد به قربانیان این احساس را بدهد، که او هم با او راه آمده است. و به کودک تلقین می کند، که خودش مقصر است که اعمال خشونت جنسی انجام گرفته است.

گاهی برای قربانیان در هنگام خشونت جنسی لذت تا اوج لذت جنسی (ارگاسم) پیش می آید. این برای آنان بسیار ناخوشایند است. بدن تنها در این جا به یک تحریک جنسی واکنش نشان میدهد. انسان نباید پس از آن از خود شرمسار شود.

زنان قربانی بعد از واقعه در یک نوع وضعیت شوک به سر می‌برند. گاهی روزها پس از آن دیگر خود و محیط اطراف خود را حس نمی‌کنند. آنان خود را در محیط عادی غریبه حس می‌کنند و این احساس را دارند، تمام آنچه، که به آن باور داشتند، دیگر وجود خارجی ندارد. این حالت یک احساس سردرگمی است.

رفتار قربانیان بعد از اتفاق کاملاً شخصی و متفاوت است، هیچگونه نمونه "مشخصی" وجود ندارد.

نحوه واکنش‌های ممکن و عارضه‌های بعدی به قرار زیر اند:

– اعلام جرم کردن: بعضی از زنان فکر میکنند پس از اتفاق به پلیس مراجعه کنند.

– برقراری تماس: سایر زنان میخواهند با اشخاص ذیربط حرف بزنند، به مراکز تخصصی سرزنند یا با افراد معتمد صحبت کنند.

– اختلال اعصاب: بسیاری از قربانیان ساعتهای متوالی گریه میکنند، قادر به حرف زدن نیستند و عجز و درماندگی خود را به وضوح نشان می دهند.

– تسلط: بعضی دیگر به نظر می آید که بر خود مسلط هستند و خون سرد، معقول و متعادل به نظر می آیند. برای آنها کاملاً روشن است که به ایشان خشونت روا شده و مجرم گناهکار است، با اینحال برایشان این پرسش باقیست که چه اشتباهی از آنان سر زده است.

– عذرو توجیه جستن: در بعضی ها برعکس، آنچه اتفاق افتاده، خشونت محسوب نمیشود. سعی میکنند خود را با عمل خشونت بار وفق بدهند، توجیه کنند و "عادی" بحساب بیاورند.

این زنان اغلب نمیتوانند به احساسات شخصی خود اعتماد کنند، یاد نگرفته اند نفرت، ترس، یأس، انزجار، اندوه، عجز را بپذیرند.

– اختلال اعتماد به نفس: منزلت، رفتار عادی در برابر تمایلات جنسی و داشتن احساس به بدن خویش میتواند برای زمان دراز مختل شود.

– سرزنش از خود: خیلی ها با شرم و انزجار به خود واکنش نشان میدهند یا اینکه با حس گناه و سرزنش خود را عذاب میدهند.

نمونه:

دختر چهار ساله در یک محیط خاص بزرگ شده، خشونت جنسی در اینجا "عادی" بود. مادر از دختر بچه نمی خواسته و نمی توانسته حفاظت کند؛ او نمیتوانسته است طلب کمک کند، زیرا او نمیدانست که دختر بچه احتیاج به کمک دارد. دختر و اعتماد به نفس خود و احساس به بدن خویش را از دست داده بود، و از بدنش تنفر داشت.

نهایتاً دیگر خود را هم نمی شست. همزمان آرزوی کسب محبت داشت: یاد گرفته بود محبت را از طریق رابطه جنسی به دست بیاورد و رفقای هم دبستانی اش را برای اعمال جنسی راضی کرده بود. این رفتار زیر نظر گرفته شده بود و ناهنجاری رفتار جنسی محسوب و طبقه بندی شد. به همین دلیل مراجع ذیربط تخصصی در جریان قرار گرفتند.

- احساسات آشفته: بسیاری از قربانیان خشونت در مورد واکنش های خود هنگام وقوع اتفاق عمیقاً سردرگم هستند.

نزدیکان اغلب تمام این برداشت های احساسی را تشدید میکنند. بستگان، دوستان و آشنایان میتوانند واکنش تلافی داشته باشند، اغلب آن اتفاق را باور ندارند یا نمیفهمند و گناه را به گردن قربانی می اندازند.

عواقب خشونت جنسی در تندرستی

اغلب نمیتوان بطور واضح عواقب تجارب خشونت را بر تندرستی به خشونت ربط داد. پاره ای از دردها یا ناراحتی های روانی یا روان تنی دیرتر بروز میکنند و مدت زمان طولانی تری بر جای میمانند.

زنانی که در زمان کودکی خشونت را تجربه کرده اند و اکنون از نظر جسمانی از عواقب طولانی مدت آن رنج میبرند، اغلب نمیتوانند ناراحتی های خود را احیاناً با تجربه خشونت ربط بدهند.

چه بسا که قربانیان صدمات ناشی از اعمال خشونت بار را پیامدهای "تصادفات" وانمود میکنند.

نشانه های زیرین میتوانند عواقب رفتارهای خشونت آمیز باشند:

- آسیب های بدنی:

شکستگی استخوان، آسیب اعضای داخلی، آسیب مغزی در نتیجه ضربات بر سر، زخم های بد التیام یافته و ماندن جای آن در سراسر بدن، سوختگی ها، اثرات اسید و مواد شیمیایی،

از شکل افتادن صورت، ضعف دید و شنوایی، جراحات زیرشکم در اثر لگد و ضربات یا سقط جنین اجباری.

- جراحات در بخش های تناسلی:

تجاوزات، زخمی شدن و خونریزی مقعدی و مهبل را در پی دارند، التهاب های مثانه امراض مقاربتی، نازائی و سقط جنین ها

- امراض روان تنی:

زخم معده، ترومبوز (لخته شدن خون در رگ)، دردهای قلبی، و سردردهای دائمی، اختلالات گردش خون و بسیاری چیزهای دیگر.

- آسیب های روحی و روانی:

حالات ترس، اختلالات خواب، بی اعتمادی، افسردگی، احساس شرم و گناه، لطمات ناشی اختلال استرس پس از سانحه، فلاش بک (مرور گذشته)، احساس کثیفی و بد نامی، اختلالات هویتی - و تعیین مرز، اعتماد به نفس کم، استیصال، اعمال خود زنی، دردهای دائمی هنگام آمیزش جنسی، رفتار جنسی اغراق آمیز، اختلال خوردن، وسواس، اعتیاد به مواد مخدر و داروها، خودکشی یا سعی به خودکشی.

گاهی قربانیان عواقب روانی را به خشونتی که تجربه کرده اند ربط نمیدهند. آنان ناراحتی های خود را نه نتیجه سوء رفتار، بلکه نتیجه "نارسائی یا نقص" خویش مبینند. که این دیگر بار باعث از دست دادن حس اعتماد به نفس میشود.

عواقب خانوادگی و اجتماعی

انسانها به مثابه یک موجود اجتماعی، وابسته به شبکه های ارتباطی خویش هستند، برای مثال این شبکه ها عبارتند از خانواده، دایره دوستان یا همکاران. با این وصف تجارب خشونت مستقیم اکثراً در این محیط های آشنا اتفاق می افتند - عاملین بندرت غریبه ها هستند -، به این ترتیب محیط های اجتماعی شخص مستقیماً دخیل هستند. برای بسیاری از زنان قربانی دشوار است در مورد آنچه که این عمل خشونت بار بر سرآنان آورده است حرف بزنند. از سرزنش ها وحشت دارند ("آخر چرا تو آنجا رفتی" یا "حتماً تو خودت به اون دادی؟")؛ در مقابل، برای بسیاری از بستگان و دوستان قربانیان خشونت سخت است که حضور خشونت را در محیط خود قبول کنند.

خطرات بعدی خشونت خانگی/جنسی برای قربانی:

- ترس از طرد شدن در درون محیط های اجتماعی. نمایش یا تشریح تجربه خشونت میتواند منجر به جدائی از شریک زندگی، تنهائی، جدائی از خانواده یا ترس از روابط صمیمی (جدید) و نیز رفتارهای خشونت آمیز گردد.

- احساس انزوای شدید:

در اثر سوء رفتار طولانی مدت، کناره گیری شدید از محیط یا اطرافیان شروع میشود. باور به امنیت و اطمینان به خود از دست میرود. نتایج آن کناره گیری شدیدتر و بخصوص تغییرات در سیستم ارزشی معیارها هستند.

- وابستگی های مالی

در ابتدا سبب میشوند تا هیچ راه گریزی پیدا نشود. این منجر به یک احساس انزوای شدید میشود. در کنار ترس از رفتار خشونت آمیز عامل این احساس، که شخص بدون او نمیتواند زندگی کند بسیار قوی است.



- انفعال:

از دست دادن اعتماد به نفس و ارزش و اهمیت ندادن به خود اغلب منجر به وفق دادن کامل با عامل میشود. در این میان موضوع بر سر زنده ماندن است. پیوند میان عامل و قربانی در این میان آنقدر قوی است که قربانی رفته رفته به خود از دید عامل مینگرد.

- عدم حس مسئولیت در برابر کودکان:

کم پیش نمیاید که قربانیان بیمار از آسیب های شدید روحی رنج ببرند (لطمات ناشی از ناشی اختلال استرس پس از سانحه بردرلاین (خط مرزی) اختلالات شخصیتی، هویت پریشی)، در پی آن در مورد فرزندان خود اهمال کرده و دچار قصور میشوند.

- توس از تغییر:

برنامه های زندگی و شرایط کار در اثر جدائی میتوانند تغییر کنند: برای نمونه فسخ قرارداد و تغییر کار، مشکلات سر کار، بیکاری.

- فقر:

کم نیستند زنانی که در نتیجه جدائی دچار تنگدستی میشوند و یا ریسک فقیر شدن بیشتر را دارند که شامل از دست دادن خانه و بی خانمانی هم میشود. زنان و کودکانی که پس از تجربه خشونت از شبکه اجتماعی خود طرد شده اند، ریسک فقر فوق العاده ای را بدوش میکشند.

قربانیان تنها از انزوای اجتماعی رنج نمیبرند. بسیاری از زنان به خانه زنان پناه میبرند و نه تنها محیط آشنای خود بلکه اموال و دارائی خویش را پشت سر باقی میگذارند. آنان اکثراً از شکایت کردن، نفقه یا اعاده خسارت صرفنظر میکنند.

دلایل آن عبارتند:

- ترس از حملات خشونت آمیز دوباره

- خجالت، زیرا اینان در اکثر موارد فکر میکنند خودشان در گناه (سهمیم) هستند و نمیخواهند خانواده شان را ننگین کنند.

- میدانند که راه قضائی سخت است و همیشه موفقیت آمیز نیست.

- تجارب در ساختارهای مرد سالار: مردان حق دارند زنان و فرزندان خود را تنبیه کنند و میتوانند آمیزش جنسی را از همسر خود طلب کنند.

عواقب منتقل شونده از نسلی به نسل دیگر

انسان هائی که در بچگی مورد خشونت قرار گرفته اند، بعدها اکثراً خود عامل جرم شده و یا در "نقش قربانی" باقی میمانند.

نمونه:

مادر کودک چهارساله در کودکی خود از طرف پدر خشونت جنسی را تجربه کرده بود. او نمیتواند خود و دخترش را محافظت کند. بلکه برعکس یاد گرفته است که با آمیزش جنسی با مردان رابطه برقرار کند. دخترش از دوازده سالگی به همین راه میرود. مددکار میپرسد چرا مادر از تعدی های شریک زندگی به دخترش دفاع نکرده است. مادر پاسخ داد: "برای من عادی بود - به سرخود من هم آمده است."

عواقب برای کودک

کودک‌انی که خشونت خانگی مستقیم یا غیر مستقیم را تجربه کرده اند، یک بار آسیب‌های متعاقب روحی مشابه قربانیان تجربه کرده اند و اغلب دچار ضربه روانی شدید می‌باشند.

عوارض بعدی عبارتند از:

– کاهش اعتماد به نفس:

خودشکوفائی به میزان شدید محدود میشود.

– دلسردی یا یأس:

تجربه ضعف و عجز یک طرف والدین میتواند باعث تقویت عجز شخص شود.

– ارزیابی اشتباه:

تجربه ضعف و عجز یک طرف والدین میتواند به آنجا کشیده شود که کودک‌ان طرف عامل جرم را بگیرند، زیرا آنجا خود را مطمئن تر حس میکنند.

– الگوهای رفتاری نامناسب:

کم نیستند کودک‌انی که تجربه خشونت خانگی را پشت سر دارند و خود عامل جرم و یا قربانی میشوند.

– آسیب‌های جسمانی:

در اکثر موارد کودک‌ان کنار آسیب‌های روانی، همچون مادر، صدمات جسمانی نیز دارند. گاهی می‌خواهند به مادرشان کمک کنند. ولی در عاقبت آنها هم قربانی مستقیم خشونت می‌گردند.

– فشار رازداری:

اغلب کودک‌ان می‌بایست بخاطر حضور اجباری در دبستان تماس با بیرون را باز هم پا بر جا نگهدارند. با تجارب خشونت خانگی اکثراً تحت فشار قرار می‌گیرند. می‌ترسند که پدرشان به زندان بیافتد چون نتوانسته اند سکوت کنند. به آنها تلقین میشود که مقصود، اگر خانواده با دخالت پلیس از هم بپاشد. تهدید میشود که در خانه حبس شوند در بسیاری موارد، این خود دلیلی است که کودک‌ان در مورد آنچه در خانه می‌گذرد حرف نمی‌زنند. از آن گذشته معلمین نمیتوانند در بسیاری از مدارس به شایستگی با خشونت احتمالی برخورد کنند.

– ضربه‌های روانی شدید:

محو کردن و پس زدن کامل تجربه خشونت میتواند باعث محدودیت اجتماعی شود و حتی به خودکشی بیانجامد.

– تریگو برای تغییرات:

خیلی از کودک‌ان خانواده را ترک کرده و به خود جسارت شروع جدیدی را میدهند.

به آدم‌هائی که به آنان اعتماد دارید سر بزنیید. با آنان و با مواکز تخصصی مشاوره برای کمک و حفاظت کودک‌انی که خشونت خانگی را از سر گذرانند حرف بزنیید.



4. راههای خروج از خشونت

تمام انسانها در مقابل قانون برابرند. زنان و کودکان همان حقوق برابر با مردان را دارا هستند و مجازند خود تصمیم بگیرند. قوانین و مذهب از یکدیگر مجزا هستند.

امکانات مشاورتی

زنان قربانی خشونت از مراکز مشاوره و خانه های زنان و دفاتر کمک به قربانیان یا تلفن های اضطراری خشونت، کمک، حمایت و مشاوره برای امکانات حفاظتی بیشتر دریافت میکنند (به لیست آدرس ها رجوع کنید). مراکز تخصصی مشاوره در مورد اقدامات دیگر اطلاع رسانی میکنند، حتی بدون تنظیم یک شکایتنامه. شکایتنامه را میتوان بعداً هم تنظیم نمود. در صورت تمایل امکان مشاوره بدون قید نام (ناشناس) وجود دارد.

زنان قربانی همچنین میتوانند از دوستان زن و مرد، بستگان یا همسایگان مرد و زن تقاضای حمایت کنند.

چنانچه قصد تنظیم شکایتنامه دارید، توصیه میشود به یک مشاور حقوقی برای راهنمایی مراجعه کنید.

حمایت قانونی برای قربانیان خشونت در آلمان

کودکان، زنان و مردان در آلمان تساوی حقوق دارند. از اینرو امکانات حفاظتی در اختیار همه هست. در آلمان قربانیان خشونت از امکانات حمایتی گوناگون برخوردارند. هر کسی حق داشتن یک زندگی عاری از خشونت را دارد. خشونت از سوی شریک زندگی میتواند گونه های بسیاری داشته باشد. اهانت، محدودیت آزادی فردی، کنترل، پرخاشگری، تهدیدات، کتک زدن، آمیزش جنسی اجباری، آزار و شکنجه یا مزاحمت.

کمک در مواقع ضروری

اگر شریک زندگی به صورت حاد خشن شود، میتوان به پلیس با شماره ۱۱۰ تلفن کرده و یا به کلانتری مراجعه کرد. پلیس وظیفه دارد بلادرنگ برای حفاظت شخص حاضر شود. پلیس میتواند تا ۱۴ روز عامل را از محل سکونت مشترک اخراج کند. پلیس میتواند همچنین موقتاً عامل را توقیف کند تا اخراج از خانه را عملی سازد. در صورت وقوف جرم پلیس باید شکایتنامه تنظیم نماید.

علاوه بر این زنان قربانی خشونت میتوانند به خانه زنان مراجعه کنند و در آنجا موقتاً با کودکان خود سکونت کنند. بسیار مهم است، جراحات را تحت معاینه دکتر زن قرار داده و پرونده تشکیل دهند.

کارکنان مراکز تخصصی مشاوره، پزشکان زن و وکلای زن اساساً ملزم به وظیفه رازداری هستند. البته در صورت احتمال به مخاطره افتادن آسایش کودک، میتوانند موظف باشند با اداره جوانان تماس برقرار کنند.

هر شخص میتواند تقاضای حکم حمایتی از طرف دادگاه خانواده (دادگاه های بخش) در محل زندگی، محل وقوع جرم و یا در محل اقامت درخواست کند. به عنوان اقدامات حفاظتی دادگاه میتواند برای مثال برای مجرم ممنوعیت های زیر را اجرا کند

– نزدیک شدن به خانه

– حضور در جاهائی که در آن زنان قربانی خشونت به (باید) مرتباً مراجعه کنند

– برقرار کردن تماس

– ملاقات با قربانی

کسی که با عامل جرم در یک منزل زندگی میکند، میتواند تقاضای در اختیار گرفتن خانه را هم بدهد.

اقدامات حفاظتی از طرف دادگاه برای مدت معینی تعیین میشوند و به پلیس ابلاغ میگردد. اگر عامل جرم برخلاف دستورالعمل حفاظتی دادگاه عمل کند، کیفرپذیر می گردد. در این صورت میتوان به پلیس تلفن کرد.

تبادل نظر با یک وکیل زن

تعیین یک وکیل زن هر چند الزامی نیست اما کسی که میخواهد شکایتنامه تنظیم کند، بهتر است حتماً یک مشاور قانونی در کنار خود داشته باشد، چون تنها از این طریق میتواند بر دادرسی تاثیر بگذارد. قربانیان سپس به عنوان شاکیان خصوصی وارد عمل میشوند. در یک مرکز مشاورتی خشونت یا یک موسسه حمایتی، وکلای زن مجرب میتوانند توصیه شوند.

احکام حمایت براساس قانون حمایت در برابر خشونت

"آنکه میزند، باید برود" - قانون هر کسی را که قربانی خشونت شده است در برابر خشونت، مزاحمت ها و دنبال افتادن ها حمایت میکند.

کسی که قربانی خشونت، تهدید و آزار قرار میگیرد، میتواند جدا از محاکمه کیفری، تقاضای حکم حمایت حقوق مدنی کند. در اینجا قربانیان میتوانند بطور رایگان از طرف یک مرکز مشاورتی خشونت حمایت شوند. اقدامات دادگاهی طبق قانون حفاظت در برابر خشونت هزینه-هائی دارد. کسی که محتاج است، یعنی کسی که درآمد یا دارائی ندارد، میتواند کمک هزینه محاکمه دریافت کند.

سایر امکانات حمایتی

حمایت تنها از طرف مراکز مشاوره، وکلای زن یا خانه های زنان ارائه نمیشود. در بازجویی میتواند یک شخص معتمد همراه شما بیاید، ولی در هر صورت تقاضای آن بایستی از پیش داده شود. زنان قربانی میتوانند همچنین از خدمات روانی/ اجتماعی همراه با محاکمه بهره مند شوند. همراهان روانی/ اجتماعی محاکمه بطور تخصصی تعلیم دیده اند و از شاهدین قربانی، همچنین وابستگان آنان، قبل و در جریان محاکمه و پس از آن همه جانبه حمایت میکنند. همراهان روانی/ اجتماعی در زندگی روزمره نیروهای متخصص را از دیگر نهادهای تخصصی مشاورتی به کار میگیرند، با این کار یک تفکیک روشن بین محاکمه و حمایت روزمره تضمین میگردد و کسی نمیتواند همراهان محاکمه را در دادگاه به هیچوجه تحت تاثیر قرار دهد. از ژانویه ۲۰۱۷ حق قانونی برای همراه روانی/ اجتماعی در محاکمه تصویب شده است.

از ژانویه ۲۰۱۷ حق قانونی برای همراه روانی/ اجتماعی در محاکمه تصویب شده است.

کسی که امکان مالی مشاورت با وکیل را ندارد، این امکان را دارد که برای نخستین مشاوره درخواست کمک مشاوره را بدهد. فرم درخواست استحقاق نامه برای کمک مشاوره در دادگاه بخش محل زندگی موجود است. در تنظیم درخواستنامه قربانیان میتوانند از طرف مرکز مشاورتی خشونت حمایت شوند.

کسی که قربانی یک عمل مجرمانه قرار گرفته است و بعنوان شاهد در یک محاکمه جزائی باید شهادت دهد، میتواند تقاضای درخواست استحقاق نامه برای اولین مشاوره را بدهد.

از این گذشته زنان قربانی خشونت بعنوان شاکیان خصوصی مطرح شوند و یک وکیل زن بعنوان وکیل شاکی خصوصی بیاری بطلبند. هزینه ها در شرایط مشخصی میتوانند به عهده گرفته شوند. مخارج وکالت شاکی خصوصی در اولین مشورت وکالتی یا استفاده از یک اداره مشاورتی میتواند درخواست شود.

همچنین در صورت بازپرسی بعنوان شاهد، توصیه میشود به یک وکیل زن بعنوان مشاور حقوقی شاهد رجوع و تبادل نظر گردد. در شرایط معینی مخارج آن هم میتواند تقبل شود.

بعد از یک شکایت کیفری چه اتفاقی میافتد؟
برای شکایت کیفری در خصوص خشونت خانگی یا جنسی شهادت قربانیان اهمیت بزرگی دارد زیرا اغلب مدرک دیگری در اختیار نیست یا یک نقش تکمیلی دارد. در حالات بسیار نادر شهود مستقیم جرم وجود دارند.

آن کس که تصمیم به شکایت کیفری میگیرد، باید در نظر داشته باشد که باید بدفعات (برای نمونه از طرف پلیس و دادگاه) بطور مشروح درباره عمل اتفاق افتاده شهادت بدهد که میتواند به منزله فشار سنگینی باشد. برای آمادگی داشتن در این مورد، مراجعه بموقع به مراکز مشاوره تخصصی مهم است. زنان قربانی خشونت در تمام جریان محاکمه کیفری میتوانند از پشتیبانی و حمایت همراه روانی/اجتماعی محاکمه بهره مند شوند.

بعضی از قربانیان حاضر نیستند به هیچوجه شهادت بدهند، آگاهانه عمل خشونت آمیز مورد شکایت را انکار میکنند یا اهمیت آن را پایین میآورند. قربانیان به احتمال از ترس خشونت های دیگر یا برای اینکه هیچ امکانی برای خروج خود از رابطه با مجرم را نمیبینند بدینگونه عمل میکنند. اگر کسی نمیخواهد شکایت بکند، دلائلی برای آن وجود دارد. حتی بدون تنظیم شکایتنامه کیفری میتوان در این زمینه و پرسش های دیگر از مراکز تخصصی کمک و مشاوره دریافت نمود.



حفاظت قربانیان

در هنگام تنظیم شکایتنامه، پلیس اغلب با فرد مظنون به اصطلاح با شخص خطرآفرین گفتگو میکند: پلیس موداً به متهم اخطار میدهد که از تماس با قربانی و اعمال خشونت آمیز دیگر خودداری کند. که در بسیاری از مجرمین موثر واقع میشود بطوری که بدان عمل میکنند. مهم است که اگر با وجود براین مجرم سعی میکند با برقراری تماس و یا (حتی از طریق شخص سوم، برای نمونه بستگان یا دوستان مجرم) قربانی را تحت تاثیر قرار دهد، به پلیس مراجعه کنند. چون پلیس تنها پس از آن میتواند وارد عمل شود.

تماس با پلیس

در بسیاری از کلانتری ها پلیس های زن اختصاصاً برای کار با قربانیان خشونت تعلیم دیده اند. وکیل زن و یا شخص معتمد دیگر میتواند برای بازجویی همراه بیاید. اگر مشکل زبان پیش بیاید، میبایست از پلیس خواهش کرد تا از یک مترجم حرفه ای استفاده شود.

با گرفتن تماس با مامورین تجسس، پلیس در این زمینه فعال می شود.

اگر در جریان محاکمه زن قربانی تصمیم بگیرد که شهادت ندهد، این تنها زمانی امکانپذیر است که حق امتناع از شهادت وجود داشته باشد؛ یعنی اگر زن قربانی با دادن این شهادت مطابق حقیقت شخص خود و یا یکی از بستگانش را در مظان اتهام قرار بدهد.

ادامه دادرسی

اگر کار به شکایت و یا محاکمه بکشد، برای قربانی بار دیگر یک فشار فوق العاده ایجاد می شود. آمادگی درست با کمک مراکز تخصصی مشاوره، یک همراه روانی اجتماعی پروسه محاکمه یا یک وکیل زن میتواند بسیاری از ترس ها را بکاهد.

راه تنظیم شکایتنامه آسان نیست. بنابراین بسیار مفید خواهد بود اگر شخص خود را در مورد جریان محاکمه و حقوق خود در محاکمه و همچنین اقدامات حفاظت از قربانی و همراه در دادرسی از پیش آگاه سازد.

شکایتنامه کیفری را نمیتوان پس گرفت.

همه با هم بدون خشونت

هم اکنون در مراکز تخصصی مشاوره، برای تشویق حفاظت از خود بمنظور زندگی بدون خشونت زنان اعمالی انجام میگیرد. گفتگوهای با توازن انجام میگیرد و هدفش تقویت استقلال فردی و بالا بردن حس اعتماد به نفس قربانیان است. میاموزند که در کجای مسیر زندگی آینده می تواند شانس ها و موانعی وجود داشته باشد.

آنها همچنین یاد میگیرند که چگونه فعال شوند و از خود دفاع کنند. زن قربانی خشونت، توان آن را دارد که خود را از خشونت رها سازد. اینجا مجدداً در کنار تقویت زنان (پیش از همه حقوق و امکاناتشان و خود شکوفایی) تقویت مردان نیز مطرح است که آگاه شوند چگونه حتی در شرایط دشوار میتوانند بی آنکه خشونت به کار ببرند عمل کنند.

تجربه خشونت داشتن به معنی قربانی بودن در سراسر زندگی نیست - راه های رهایی از خشونت وجود دارد.

خدمات درمانی، بازنشستگی و هزینه های مراقبت

اگر شخصی بتواند بقبولاند که به علت ارتکاب یک حمله عمدی خلاف قانون از نظر سلامتی آسیب و صدمه دیده است، بدلیل عواقب تندرستی و مالی، حق دارد از هزینه و خدمات دولتی برخوردار شود. کسی که کمتر از سه سال اقامت قانونی در آلمان دارد، به او فقط خدمات جدا از وضعیت درآمد تعلق میگیرد.

خدمات زیرین میتوانند بر اساس قانون جبران خسارت قربانی تامین هزینه شوند:

- درمان- و پرستاری بیماری (همین طور روان درمانی)

- خدمات بازنشستگی (بسته به میزان شدت عواقب صدمه وارده و احیاناً درآمد شخص)

- خدمات مراقبتی، در صورت لزوم از طریق کمک های ویژه در موارد فردی (برای

نمونه برای مشارکت در زندگی کاری، برای پرستاری، برای انجام کارهای خانه و همینطور برای مخارج زندگی)

- اقدامات توانبخشی

(برای نمونه اقامت های درمانی)

واژه نامه

| | |
|---|------------------------------------|
| ناخوشی روحی پس از تجربیات گسترده یا تهدید کننده زندگی (شوک های روحی) | اختلالات فشار ناشی از پسا شوک روحی |
| موقعیتی که کودکی در آن احساس راحتی میکند. | آسایش کودک |
| موقعیتی که در آن کودکی احساس راحتی نمیکند و آسایش وی به مخاطره افتاده است. برای نمونه، وقتی کودکی در معرض خشونت خانوادگی است. | به مخاطره انداختن آسایش کودک |
| حکم راندن بر/کنترل کردن/سوءاستفاده از یک شخص | اعمال قدرت |
| اعمال خلاف قوانین جاری | اعمال کیفری |
| ناخوشی روانی، مشخصه آن کاهش کارایی، روحیه افسرده، از بی رغبتی و عدم علاقمندی و بی انگیزگی می باشد. | افسردگی |
| بازگرداندن دوباره یک بیمار جسمی/ روانی را به جایگاه خود در جامعه | اقدامات توانبخشی |
| محدودیتی در آلمان برای فراریان/ درخواست کنندگان پناهندگی که تنها در نواحی تعیین شده باید حضور داشته باشند. | الزام محل اقامت |
| تنهایی/محدود شدن به یک شخص | انزوا |
| عدم مشارکت، بی فعالیتی، بی ارادگی | انفعال |
| فرایندی که در آن به اشخاص یا گروه ها یک ارزش منفی با خصایص ویژه نسبت داده میشود و آنان بدین شکل در یک مقوله معینی دسته بندی میشوند. | بدنامی |
| اختلالات شخصیتی، که شاخص آن بی ثباتی در رابطه با انسان ها، تزلزل روحیه و تصور از خود است. | بُردِ لاین اختلالات شخصیتی |
| تبادل/انتقال اطلاعات | برقراری ارتباط |
| رابطه غیرعادلانه یا غیرمنصفانه بین اشخاص یا گروه ها. به معنی سوء استفاده نابجا از گرفتاری یا موقعیت ضعیف یک قربانی | بهره کشی یا استثمار |

| | |
|---------------------------------|--|
| کوپانیدن | جابجائی اجباری اقوام ساکن یا بخش هائی از آن به کشوری دیگر |
| پاکسازی قومی | حذف خشونت آمیز گروه های قومی (مذهبی) از یک منطقه/ سرزمین |
| تجارت زنان | وارد کردن یک زن با قول های دروغ، اغفال یا حقه بازی، اگر که باید بدهی یا مبلغ بسیار بالای حق دلالی به واسط یا برای خدمات پرداخت کند، وقتی خشونت، فشار یا تهدید بر علیه او بکار برده میشود یا هنگامیکه او مجبور به کار در شرایط بهره کشی میگردد. |
| تحقیر | رفتار نا محترمانه یا توهین آمیز عمدی از سوی شخصی دیگر |
| تساوی حقوق / دارنده تساوی حق | تضمین تساوی حقوق و امتیازات. در یک ردیف قرار دادن و برابری حقوق بدون در نظر گرفتن جنسیت، سن، اصل و نسب، دین و غیره |
| تسلط یا برتری | رابطه یک فرد با دیگری، که در آن یک شخص نقش رهبری دارد و بر او برتری دارد. |
| توس از غریبه | ترس از اشخاص ناشناس، گروه های قومی، چیزها و موقعیت ها |
| تمامیت | هماهنگی ارزش های (شخصی) با محیط. |
| حافظت از خود | دفاع از خود در برابر خطر |
| خدمات بازنشستگی | داشتن حق قانونی یک وجه مالی به خاطر موقعیت اجتماعی / سن |
| خدمات مراقبتی | کمک های دولتی برای نیازمندان در چارچوب اصل مراقبت. مانند مخارج خانه، هزینه بیکاری یا کمک های اجتماعی و غیره. |
| خشونت روانی | یک شکل از خشونت که در آن به اشخاص قربانی از طریق تهدید روانی، اهانت یا رفتار ارباب کننده / سلطه آمیز یک آسیب احساسی وارد میگردد. |
| خشونت مبتنی بر جنسیت | خشونت علیه انسان ها به خاطر جنسیت آنان |
| رابطه مراقبتی | رابطه ای که در آن یک شخص به شخص دیگری سپرده شده است و با این شخص در یک رابطه وابستگی قرار دارد (برای نمونه آموزگار/دانش آموز) |
| روان تنی | امراض جسمانی که درکل یا در مواردی ناشی از علل روانی هستند. |
| روان درمانی | روش درمانی برای معالجه اختلالات روانی و یا عواقب روانی |

| | |
|----------------------------------|--|
| روانی | آنچه مربوط به روح و روان است. |
| روسیگری اجباری | تجارت انسان با هدف بهره کشی جنسی |
| ریسک | شرایطی که احتمال ابتلا به بیماری را بالا میبرند؛ برای مثال یک ناخوشی روانی به علت تجربه خشونت |
| ساختارهای پدرسالارانه | شکلی از جامعه که در آن مردان از نظر بنیادی دارای قدرت و حقوق بیشتر از زنان هستند. |
| سلب آزادی | نگاهداشتن کسی (حبس کردن، آدم ربایی و غیره) برخلاف میل اش |
| سوء استفاده | سودجویی ناعادلانه و افراطی از یک شخص. نزدیکی جنسی با کودکان/نوجوانان و همچنین اشخاصی، که نمیتوانند از خود دفاع کنند (افراد نیازمند کمک، زندانیان و غیره) |
| شخص معتمد | یک نفر، که از اعتماد زیادی برخوردار است. |
| شریک زندگی | کسی که با او روابط جنسی برقرار است. |
| شکایتنامه / شکایتنامه کیفری | گزارش یک عمل مجرمانه به پلیس یا دادستانی.. شکایتنامه کیفری را هر کسی میتواند تنظیم کند. |
| شکبیائی یا تحمل | تسلیم پذیری یک شخص |
| شوک روانی | تجربه واقعه ای که یک انسان نمیتواند بر آن غلبه کند. و از این رو درازمدت به ناخوشی روانی مبتلا می شود. |
| عجز یا ناتوانی | ناتوانی یا درماندگی روانی در یک موقعیت |
| عوارض متعاقب / آسیب های متعاقب | عواقب یا به عبارت بهتر آسیب های ناشی از وضعیت. برای نمونه ناراحتی های روانی که خود در ادامه تجارب خشونت ایجاد می شوند. |
| فراری و پناهجو | پناهجویان اشخاصی هستند که در کشور فدرال به دنبال حفاظت از تعقیب سیاسی، اخراج از کشور یا انواع دیگری از بازپس فرستادن معمول به دولتی هستند که در آن مورد تعقیب هستند یا صدمه جدی تهدیدشان میکنند. |
| فضاهای حفاظتی زنان / مؤسسات زنان | مؤسسات و خوابگاه هائی که اختصاصاً حفاظت و پشتیبانی به زنان ارائه میدهند. |
| تحمل شدگان | با تحمل شدن، اخراج از کشور به حالت تعلیق در آمده و گواهی میشود. (اقامت قانونی نمی باشد) |

| | |
|----------------------------|---|
| قانون جبران خسارت قربانی | قانون برای تعیین میزان خسارت و تامین احتیاجات قربانی اعمال خشونت آمیز و همچنین برای بازماندگان آنان |
| قانون حفاظت در برابر خشونت | قانون وضع شده جهت اقدامات حفاظتی حقوق مدنی برای قربانیان خشونت |
| قوه قضایی | مجموعه مراجع صلاحیتدار که مسئول اجرای قوانین هستند. |
| کشور میزبان | کشوری که انسان های فراری یا مهاجرین زن را میپذیرد/جائیکه افراد در آن ساکن میشوند. |
| کمک هزینه دادرسی | پشتیبانی مالی در نبود (یا کمبود) درآمد/ دارائی برای انجام محاکمه دادگاهی |
| کمک مشاورتی | خدمت اجتماعی دولتی که برای انسان هائی با درآمد کم یا بدون درآمد حق مشاوره حقوقی و نمایندگی (وکالت) حقوقی را ممکن میسازد. کمک مشاورتی کمکی است برای استفاده از حقوق غیر از جریان محاکمه دادگاهی. |
| دادرسی کیفری | تعقیب حقوقی یک عمل مجرمانه |
| مراکز تخصصی مشاوره | مراکز تخصصی مشاوره در زمینه های تخصصی گوناگون مهارت یافته اند و عموماً کارشان دادن اطلاعات، مشورت، همراهی کردن، نشان دادن امکانات عمل و همچنین هدایت آنان به اشخاص ذیربط در زمینه های تخصصی است. |
| مرز شکنی ها | هر عملی، که به منظور ارضاء احتیاجات شخصی و بدون مراعات خواست یا توجه به ضعف های جسمانی، روانی، شناختی و زبانی شخص دیگر انجام شود. |
| شهود کمک کننده | همراه حقوقی/ کمک برای شاهدین زن |
| مناسبات وابستگی | رابطه ای، که در آن یک نفر به شخص دیگری وابسته است. (برای نمونه اقتصادی یا عاطفی) |
| موقعیت حقوقی | قوانین مربوط به یک مبحث خاص |
| ارعاب | اجبار یک فرد برای انجام کاری |
| نهادهای تعلیم و تربیتی | مؤسساتی که براساس مقررات دولتی یا شهرداری مأموریت آموزشی را دارا هستند. مدارس و کودکانستان ها جزء این نهادها به حساب میایند، همینطور مؤسساتی مثل کتابخانه ها، موزه ها یا اتحادیه های مشترک المنافع. |
| شیوه های واکنش | روش های عکس العمل نشان دادن به وضعیت های گوناگون. |

| | |
|---|-------------------------|
| قوانین در مورد یک مسئله ویژه. | وضعیت حقوقی |
| موظف کردن قانونی گروه های شغلی مختلف، برای ندادن اطلاعات به شخص سوم. | وظیفه رازداری |
| نماینده و مشاور مستقل زن در تمام امور حقوقی. وکلای زن دارای به اصطلاح حق امتناع از پاسخگویی هستند و علاوه بر این موظف به رازداری میباشند. این رابطه موجب اعتماد بین وکیل زن و موکل می گردد. | وکیل زن |
| اختلالات بسیار عمیق در شخصیت به علت شوک های روانی. در این اختلال دو یا چند شخصیت مختلف درون یک شخص وجود دارند. | هویت پریشی اختلال هویتی |

آدرس های تماس نهادهای کمک رسانی با

رایگان و ناشناس، مشاورت در ۵۱ زبان (ترکی، روسی، فرانسوی، اسپانیایی، پرتغالی، ایتالیایی، لهستانی، صربی، چینی، بلغاری، رومانیایی، عربی، فارسی و ویتنامی).
خدمات اضطراری ۲۴ ساعته -

Hilfetelefon bei Gewalt gegen Frauen
(تلفن کمک رسانی خشونت علیه زنان):
Tel.: 08000 116 016 (24/7)
www.hilfetelefon.de

رایگان و ناشناس، مشاورت تلفنی در خشونت جنسی
فهرست فرا منطقه ای مؤسسات کمکی، حتی برای
فراریان

Hilfetelefon sexueller Missbrauch
(تلفن کمک رسانی سوء استفاده جنسی):
Tel.: 0800 2255530
www.hilfeportal-missbrauch.de

رایگان و ناشناس، مشاورت کودکان و نوجوانان در
تجارب خشونت

Zentrales Hilfetelefon für
Kinder/Jugendliche mit Gewalterfahrungen
(مرکز کمک رسانی تلفنی برای کودکان/ نوجوانان
با تجربیات خشونت)
Tel.: 0800 1110333

رایگان و ناشناس، مشاوره تلفنی، دخالت در شرایط
اضطراری/بحرانی، وساطت، کمک حقوقی، پشتیبانی
انسانی

Weisser Ring
شماره تلفن برای قربانیان
Tel.: 116 006
weisser-ring.de/hilfe/opfer-telefon

سازمانی که در سراسر آلمان برای زنان قربانی فعالیت
میکنند. بانک اطلاعاتی با مراکز مشاوره های منطقه ای،
تلفن اضطراری زنان و خانه های زنان تحت آدرس:
www.frauen-gegen-gewalt.de/organisationen.html
همچنین با در نظر گرفتن زبان و سایر خصایص در کمک
های ارائه شده.

Bff – Bundesverband Frauenberatungsstellen
und Frauennotrufe Frauen gegen Gewalt e. V.
(سازمان فدرال مراکز مشاوره زنان و تلفن های
اضطراری زنان - سازمان زنان علیه خشونت)
Petersburgerstraße 94 · 10247 Berlin
Tel.: 030 322 99 500
Fax: 30 322 99 501
info@bv-bff.de
www.frauen-gegen-gewalt.de

سازمانی که در سراسر آلمان از زنان قربانی خشونت پشتیبانی میکند. بانک اطلاعاتی با مراکز مشاوره منطقه ای:

<http://www.frauenhauskoordinierung.de/beratungsstellensuche.html>

بانک اطلاعاتی با خانه های زنان منطقه ای:
<http://www.frauenhauskoordinierung.de/frauenhaussuche.html>

همچنین با در نظر گرفتن زبان و سایر ویژگی ها در کمک های ارائه شده.

Frauenhauskoordinierung e. V.
www.frauenhauskoordinierung.de

بانک اطلاعاتی خانه های زنان در مناطق مختلف

Zentrale Informationsstelle
Autonomer Frauenhäuser
(مرکز اطلاعاتی خانه های مستقل زنان)
Markt 4 · 53111 Bonn
Tel.: 0228 68469504/ -05
Fax: 0228 68469506
zif-frauen@gmx.de

www.autonome-frauenhaeuser-zif.de/de/autonome-frauenhaeuser/adressliste

مشاوره در مورد خشونت و بحران های شدیدی که به کودکان و خانواده ها وارد شده، ارائه دهنده کمک های پیشگیری کننده، امکان اسکان دادن کوتاه مدت و موقتی به کودکان.
بانک اطلاعاتی منطقه ای مراکز حفاظت کودکان:

Bundesarbeitsgemeinschaft der
Kinderschutz-Zentren e.V.
(انجمن مرکزی جمعیت فعالان حفاظت از کودکان
سراسری آلمان)

Bonner Str. 145 · 50968 Köln
Tel.: 0221 569753
Fax: 0221 569755 0

die@kinderschutz-zentren.org
www.kinderschutz-zentren.org

کمک های رایگان شرایط اضطراری سلامتی (خدمات نجات ایمنی). آتش (آتش نشانی) خطر از سوی اشخاص (پلیس)

شماره تلفن های اضطراری
۱۱۲ (اورژانس/آتش نشانی)
(Rettungsdienst/Feuerwehr)
۱۱۰ (پلیس)

به فهرست دفترچه تلفن منطقه مراجعه کنید ، میتوان از سازمان فراریان، پزشکان، بیمه های خدمات درمانی و دیگر جاهای معتبر سؤال نمود.

اطلاعات در مورد مراقبت های بهداشتی در آلمان (مستقل از بیمه های خدمات درمانی)، مشاوره به زبان های عربی، ترکی، روسی و آلمانی امکان پذیر است.

Unabhängige Patientenberatung Deutschland

(مشاوره مستقل بیماران آلمان)

تلفن عربی 0800 33221225

تلفن آلمانی 0800 0117722

تلفن روسی 0800 0117724

تلفن ترکی 0800 011772

مشاوره در مورد حق و حقوق در صورت تبعیض. معرفی نیروهای تخصصی منطقه ای

Anti-Diskriminierungsstelle des Bundes

(اداره ضد- تبعیض فدرال)

Glinkastraße 24 · 10117 Berlin

تلفن مشاوره: 030 18 555 18 65

سرویس تلفنی برای سؤال های کلی:

030 18 555 18 55

دوشنبه تا جمعه از ساعت ۹ الی ۲۱ و از ۳۱ تا ۵۱

beratung@ads.bund.de

www.antidiskriminierungsstelle.de

اتحادیه کل بینا فرهنگی در برگیرنده سازمان های کار با مجرمین خشونت خانوادگی در آلمان، همچنین رسیدگی به حفاظت قربانی و کارهای جلوگیری از خشونت.

Bundesarbeitsgemeinschaft Täterarbeit

Häusliche Gewalt (BAG TäHG) e. V.

(جمعیت فدرال کار با مجرمین خشونت

خانوادگی)

Nordring 15 c · 76829 Landau

06341 55758-21

info@bag-taeterarbeit.de

www.bag-taeterarbeit.de

گردآوری شده از نیروهای متخصص (فردی و مؤسسات)
از تمام مناطق آلمان و کشورهای مجاور خارجی، که همه
با هم برای خود این هدف را برگزیده اند که بطور فعال
در راه حفاظت بهتر کودکان عمل کنند. یکی از وظایف
آن در اختیار گذاشتن فهرستی از مؤسسات برای درمان،
مشاوره و مراقبت کودکان و نوجوانان مورد تجاوز جنسی
قرار گرفته و مؤسساتی که با بزرگسالان مجرمان جنسی
کار میکنند.

Deutsche Gesellschaft für Prävention und
Intervention bei Kindesmisshandlung und
-vernachlässigung e.V.

(جامعه آلمانی برای پیشگیری و مداخله در
بدرفتاری و اهمال ورزیدن نسبت به کودکان)

Sternstraße 9 – 11 Geschäftsstelle

40479 Düsseldorf

Tel.: 0211 4976 80 0

Fax: 0211 4976 80 20

info@dgfpi.de

www.dgfpi.de

تلفن برای شرایط بحرانی از دواج اجباری. عرضه مشاورت
آنلاین، بلاگ و همچنین جستجوگر برای مراکز مشاوره در
تمام آلمان.

Deutsches Institut für Menschenrechte

(پرتال یا بخش جوانان)

Zimmerstraße 26/27 · 10969 Berlin

Tel.: 030 25 93 59-0

Fax: 030 25 93 59-59

info@institut-fuer-menschenrechte.de

www.institut-fuer-menschenrechte.de

تلفن برای شرایط بحرانی از دواج اجباری. عرضه مشاورت
آنلاین، بلاگ و همچنین جستجوگر برای مراکز مشاوره در
تمام آلمان.

Jugendportal www.zwangsheirat.de

(پرتال یا بخش جوانان)

„www.zwangsheirat.de“

Tel.: 030 40 50 46 99-0

Fax: 030 40 50 46 99-99

info@frauenrechte.de

www.zwangsheirat.de

این انجمن در سطح منطقه ای، کشوری و بین المللی فعال است و علیه تجارت و بهره کشی از انسان، همچنین برای پیشبرد حقوق قربانیان و تحقق بخشیدن حقوق بشر و مهاجرین زن مبارزه میکند.

KOK - Bundesweiter Koordinierungskreis
gegen Menschenhandel e.V.
(دایره هماهنگی سرتاسری فدرال علیه تجارت
انسان)
Kurfürstenstraße 33 · 10785 Berlin
Tel.: 030 263 911 76
Fax: 030 263 911 86
info@kok-buero.de
www.kok-gegen-menschenhandel.de

ارائه دهنده تمام اطلاعات مهم برای کمک های پزشکی پس از تجاوز از جمله حفظ آثار جرم و مدرک برداری محرمانه.

Notruf und Beratung für vergewaltigte Frauen
und Mädchen e. V.
(تلفن اضطراری و مشاوره برای زنان و دختران
مورد تجاوز قرار گرفته)
Kasseler Straße 1a · 60486 Frankfurt am Main
Tel.: 069 70 94 94
Fax: 069 79 30 27 95
E-Mail: info@frauennotruf-frankfurt.de
www.soforthilfe-nach-vergewaltigung.de/

سازمان عام المنفعه حقوق بشر برای مشاوره با زنان بصورت حضوری، تلفنی و آنلاین. مشاورت به زبان های آلمانی و ترکی.

TERRE DES FEMMES
Menschenrechte für die Frau e. V.
سرزمین زنان - سازمان حقوق بشر برای زنان
Brunnenstraße 128 · 13355 Berlin
تلفن اختصاصی مشاوره: 030 40 50 46 99 30
ساعات تماس دوشنبه ساعت ۱۵ تا ۱۸، سه شنبه و
پنجشنبه ساعت ۱۰ تا ۳
تلفن دفتر مشاوره: 030 40 50 46 99-0
030 40 50 46 99-99
info@frauenrechte.de
beratung@frauenrechte.de
www.frauenrechte.de

حفاظت و ایمنی از خشونت برای زنان فراری و نوجوانان در آلمان

این راهنما حاوی کلیه اطلاعات در موضوع "حفاظت و ایمنی از خشونت" برای زنان فراری، نوجوانان و مهاجرین زن در آلمان میباشد. ما علاقمندیم با این دفترچه راهنما شما را درباره حقوق تان و امکانات حفاظت در آلمان مطلع سازیم. علاوه بر این ما به شما در خصوص موضوعات زیر اطلاعات ارائه میدهیم:

- خشونت پیش از، در حال و پس از فرار
- دلایل، انواع و عواقب خشونت
- چه کسی خشونت به کار میبرد؟
- راه های گریز از خشونت

از آن گذشته نشانی هائی درج شده است، تا شرح فشرده ای از امکانات کمکی برای قربانیان و بستگانشان قابل دسترس باشد.

این راهنما در چهارچوب پروژه سرتاسری آلمان "می می - پیشگیری از خشونت، همراه با مهاجرین زن برای مهاجرین زن" تهیه شده است.



Die Beauftragte der Bundesregierung
für Migration, Flüchtlinge und
Integration

**Ethno-
Medizinisches
Zentrum e.V.**



DHBW

Duales Hochschule
Baden-Württemberg
Villingen-Schwenningen
Department of Mental Health
and Addiction



Sächsische Landesvereinigung
für Gesundheitsförderung e.V.



Verband Kinder- und Jugendarbeit Hamburg e.V.

Fachverband für die Ethno Arbeit mit Kindern und Jugendlichen

این راهنما اعطا شده از جانب: